

## ***Strategic plan for securing the national interests of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf.***

*Mohammad Eghbal Ali Asghari*

### **ABSTRACT**

Some analysts believe that the most important condition for continued survival and active presence in regional and international arenas is to pay attention to national interests. Securing Iran national interests in the Persian Gulf requires recognizing the influential factors in this field. The purpose of this study is to present a strategic plan to secure the national interests of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf. Is the domain This research is of applied development type and its method is case-context. The statistical sample size of the research is 54 people. The method of collecting field and library information is through the in-depth analysis of theoretical foundations, the factors affecting the national interests of Iran in the Persian Gulf and then in the form of a questionnaire using quantitative and qualitative analysis mixed with standardization and localization of these factors have been done in the environment of joint operations. Based on the analysis and using IFE and EFE tools, 93 factors (25 strengths, 17 weaknesses, 24 opportunities and 27 threats) were identified and measured, and finally, by SWOT method, strategies were developed and their priority was determined. It is done using QSPM method. Based on the results of the research, to formulate a strategic plan for securing national interests c. 1. Iran has 11 strategies in the Persian Gulf. Out of 7 times, the current situation of our country in the field of national interests in the Persian Gulf has been evaluated in a competitive quarter.

**KeyWords:** *Strategy, Strategic Plan, National Interests, Persian Gulf, Islamic Republic of Iran.*

## طرح راهبردی تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس

محمد اقبال علی اصغری<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۰۳

تأیید مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸

### چکیده

خلیج فارس مهم‌ترین خطه آبی منطقه است که علاوه بر ظرفیت‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، با بهره‌مندی از منابع سرشار نفت و گاز، اهمیتی راهبردی در تعاملات بین‌المللی دارد. بررسی از تحلیلی‌گران روابط بین‌الملل معتقدند که مهم‌ترین شرایط استمرار بقا و حضور فعال در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی کنونی، توجه به منافع ملی است. تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس، نیازمند شناخت عوامل تأثیرگذار در این حوزه است. هدف اصلی پژوهش، ارائه طرح راهبردی تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس است. طرح راهبردی تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس، نیازمند شناخت ابعاد، مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار در این حوزه است.

این پژوهش از نوع کاربردی توسعه‌ای، روش آن موردی - زمینه‌ای و حجم نمونه آماری پژوهش ۵۴ نفر است. روش گردآوری اطلاعات، میدانی و کتابخانه‌ای بوده که با تحلیل عمیق مبانی نظری، عوامل مؤثر بر منافع ملی ایران در خلیج فارس را احصا نموده، سپس در قالب پرسش‌نامه با استفاده از تحلیل‌های کمی و کیفی به صورت آمیخته نسبت به استانداردهای بومی سازی این عوامل در محیط عملیات مشترک اقدام شده است. براساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده و با استفاده از ابزار IFE و EFE تعداد ۹۳ عامل (۲۵ قوت، ۱۷ ضعف، ۲۴ فرصت و ۲۷ تهدید) شناسایی و سنجش شده و نهایتاً به روش SWOT راهبردها تدوین و نسبت به تعیین اولویت اجرایی آن‌ها با استفاده از روش QSPM اقدام شده است. براساس نتایج تحقیق، برای تدوین طرح راهبردی تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس تعداد ۱۱ راهبرد احصا گردید و در انتها پس از تحلیل عوامل درونی و خارجی و مشخص شدن نقاط موجود و مطلوب، وضعیت موجود کشورمان در حوزه منافع ملی در خلیج فارس در ربع رقابتی ارزیابی شده است.

### کلید واژه‌ها

راهبرد؛ طرح راهبردی؛ منافع ملی؛ خلیج فارس؛ جمهوری اسلامی ایران.

## مقدمه

منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپولیتیکی<sup>۱</sup> و ژئو راهبردی<sup>۲</sup> خود یکی از مناطق بسیار مهم و حساس جهان از قرن گذشته محسوب می‌شود. انرژی و امنیت دو موضوع کلیدی و راهبردی در این منطقه می‌باشند. خلیج فارس بعد از خلیج مکزیک و خلیج هودسن<sup>۳</sup>، سومین خلیج بزرگ جهان است. با این اوصاف خلیج فارس مهم‌ترین خطه آبی منطقه است که علاوه بر ظرفیت‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، با بهره‌مندی از منابع سرشار نفت و گاز، اهمیتی راهبردی در تعاملات بین‌المللی دارد؛ بنابراین امنیت و ثبات پایدار در حوزه خلیج فارس به‌عنوان یک پیش‌درآمد اصلی برای تحقق هرگونه فعالیت توسعه‌ای، عملاً مستلزم هماهنگی و همکاری شفاف همه کشورهای منطقه در دستیابی به منافع مشترک و گسترش تعاملات راهبردی در این منطقه می‌باشد.

خلیج فارس برای جهان، منطقه و جمهوری اسلامی ایران اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، به‌گونه‌ای که آن را هارتلند<sup>۴</sup> نظام بین‌الملل در قرن بیست و یکم نامیده‌اند. این دریای نیمه‌بسته مهم‌ترین فضای ژئوراهبردی و ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. امنیت و تأمین منافع ملی ایران به مقدار زیادی به وجود امنیت و ثبات در خلیج فارس بستگی دارد و وجود ناامنی در این منطقه، منافع ملی کشور ما را به مخاطره خواهد انداخت. در این منطقه حجم بالایی از منازعات وجود دارد. اختلافات قومی - مذهبی و تاریخی در کنار درگیری‌های مرزی، سوء تفاهمات و اختلافات سیاسی از جمله عوامل واگرایی در این منطقه بوده و هست و علاوه بر عوامل فوق، حضور و دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای باعث گسترش مناقشات و افزایش ناامنی در خلیج فارس شده است. در حالی که جمهوری اسلامی ایران حضور قدرت‌های خارجی را یکی از عوامل اصلی ناامنی و بی‌ثباتی در این منطقه می‌داند، کشورهای عربی خلیج فارس با خرید و انباشته کردن سلاح، امنیت استقرایی خود را در سایه حضور این قدرت‌ها تعریف می‌کنند.

از طرفی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرتمندترین کشور منطقه، به‌طور طبیعی باید

- 
1. Geopolitics
  2. GeoStrategic
  3. Hudson
  4. Hartland

اصلی‌ترین نقش را در اجرای هرگونه راهبرد امنیتی در خلیج فارس داشته باشد. ظرفیت‌ها و توانایی‌های جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان با سابقه‌ترین کشور منطقه با داشتن ویژگی‌های منحصربه‌فردی مانند وسعت زیاد، جمعیت فراوان، منابع طبیعی متنوع، موقعیت جغرافیایی ویژه، توانمندی‌های دفاعی و ... و مهم‌تر از این‌ها، استقرار حکومت جمهوری اسلامی و محبوبیتی که در میان مسلمانان و کشورهای اسلامی دارد، واقعیتی انکارناپذیر بوده و بر نقش بازیگری جمهوری اسلامی ایران صحنه می‌گذارد. نقش برجسته و تأثیرگذار تهران در گرایش‌های دامن‌گستر اسلامی چیزی نیست که بتوان از آن به‌راحتی گذشت. به دلیل ملاحظات فوق و وضعیت پیچیده حاکم بر این منطقه، شاید بتوان گفت نوعی معمای امنیتی در خلیج فارس شکل گرفته است. طبعاً در چنین وضعیتی به سمت همگرایی رفتن برای تأمین منافع ملی در این منطقه امری مشکل و دشوار به‌نظر می‌رسد؛ لذا مسأله این پژوهش این است که راه‌حلی برای این مشکل ارائه نماید بنابراین، محقق در نظر دارد از طریق شناخت عوامل محیطی خلیج فارس راهبردهای لازم جهت تأمین حداکثری منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس را ارائه نماید بنابراین سؤال اصلی پژوهش عبارت است از «طرح راهبردی تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس باید چگونه باشد؟»

## مبانی نظری پژوهش

### پیشینه‌شناسی پژوهش

در ارتباط با موضوع این پژوهش، تحقیقات قابل توجهی صورت گرفته است که به مهم‌ترین و جدیدترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

(۱) پروژه تحقیقاتی: علایی، حسین و رستمی، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، تبیین جایگاه اجتماعی و فرهنگی خلیج فارس در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران ارائه راه‌کارهای تحقق الزامات آن، دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس).

خلاصه و نتیجه این پژوهش: از نظر اجتماعی و فرهنگی، منطقه خلیج فارس محل پیدایش سه دین توحیدی و به‌ویژه اسلام با قدمت تاریخی زیاد در فرهنگ و تمدن اسلامی و غیراسلامی است. مشروعیت نظام‌های سیاسی منطقه از اسلام است و تعاملات فرهنگی و دینی میان کشورهای منطقه

و خارج از آن، می‌تواند منجر به ایجاد و افزایش حوزه تعامل اجتماعی و فرهنگی کشور با همسایگان و سایر نقاط دنیا و در نتیجه افزایش حوزه نفوذ فرهنگی کشور گردد. براساس داده‌های حاصل از این پژوهش، با درجه اطمینان ۹۵ درصد، مؤلفه فرهنگی و اجتماعی خلیج فارس در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران، تأثیر بالایی دارد.

۲) پروژه تحقیقاتی: کریمی، یوسف (۱۳۹۲)، بررسی عوامل بازدارنده آمریکا در تعرض به منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس در سه دهه گذشته در بُعد نیروی دریایی، مرکز تحقیقات دفاعی راهبردی.

خلاصه و نتیجه این پژوهش: نتایج این پروژه تحقیقاتی نشان می‌دهد مهم‌ترین عوامل بازدارنده تهدیدات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس عبارتند از: ۱. اراده ملی و انگیزه عالی رهبران نظام و فرماندهان نظامی در دفاع از سرزمین و کیان ایران؛ ۲. توانایی بالای جمهوری اسلامی ایران در مدیریت جنگ احتمالی آینده؛ ۳. تسلط نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران بر منطقه خلیج فارس؛ ۴. توانایی فرسایشی کردن جنگ از سوی جمهوری اسلامی ایران؛ ۵. نابودی پایگاه‌های آمریکا در کشورهای منطقه و ۶. آسیب‌پذیری کشورهای متحد آمریکا در منطقه.

۳) حیدری، ناصرالدین (۱۳۹۳)، گسترش سامانه سپر دفاع موشکی در غرب آسیا و خلیج فارس و امنیت جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، رساله دکتری.

خلاصه و نتیجه این پژوهش: در این رساله چنین نتیجه‌گیری شده که گسترش سپر دفاع موشکی در غرب آسیا و خلیج فارس مثال روشن حداکثرسازی قدرت آمریکا برای حفظ سیطره خود در منطقه است. چنین گسترشی ایران را در معرض یک معمای امنیتی نوین و پیچیده قرار می‌دهد. تهدیدات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت این طرح در صورت هرگونه رویارویی میان آمریکا و ایران یا رژیم صهیونیستی برای منطقه خطرناک خواهد بود. قرارگرفتن در شرایط سخت معمای امنیتی، سبب شده که ایران توانمندی موشکی خود را برای ایجاد دفاع و بازدارندگی مؤثر در مقابل تهدیدات قدرت‌های تهدیدکننده، مانند آمریکا و رژیم اسرائیل با هدف ایجاد بازدارندگی قوی و موقعیت مناسب دفاعی تقویت نماید.

۴) باقیان زارچی، مرتضی (۱۳۹۴)، تکوین و تحول منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، رساله دکتری.

نتیجه حاصل از پژوهش نشان می‌دهد منافع ملی جمهوری اسلامی ایران طی فرآیندی تعاملی میان آرمان‌ها و تهدیدات تکوین یافته است و هرکدام از این دو، متأثر از عوامل محیطی و ساختاری و ویژگی‌های کارگزاری گوناگون قرار دارند. تعامل و کنش متقابل میان آرمان‌ها و تهدیدات، فرآیند پویایی است که به تحول دائمی منافع ملی در ادوار مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منجر شده است.

۵) مقاله علمی - پژوهشی: مرادی، عبدالله (۱۳۹۷)، بی‌نظمی ساختاری و بی‌ثبات‌سازی‌ها در محیط امنیتی خلیج فارس جهت تقابل با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

نتیجه پژوهش نشان می‌دهد یک نظام امنیتی در خلیج فارس اولاً بدون جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک همسایه اصلی و تأثیرگذار امکان‌پذیر نیست و ثانیاً راه‌حل بحران‌های امنیتی خلیج فارس توسط به نیروی نظامی امریکا نیست؛ چراکه دغدغه‌های امنیتی به‌گونه‌ای تحول یافته که در هیچ کجای دنیا دیگر ابزار نظامی کارایی لازم را ندارد.

۶) مقاله علمی - پژوهشی: عاشوری، غلامرضا؛ عزتی، عزت‌الله؛ مرتضایی، شیدا (۱۳۹۷)، بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تأکید بر نقش راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کنترل بر خلیج فارس توسط ایران می‌تواند در واقع کنترل نبض اقتصاد بین‌المللی باشد. این مسأله زمانی می‌تواند به مرحله عملیاتی برسد که ایران توانایی تسلط بر منطقه مذکور را از طریق قدرت نیروی دریایی خود (همراه با سایر نیروهای هوایی، آفندی و سیستم‌های موشکی) داشته باشد. بر این اساس جایگاه قدرت دریایی، ایران را به‌عنوان قدرت برتر منطقه‌ای و بعضاً تأمین‌کننده امنیت و پشتیبانی از کشتی‌ها و شناورهای عبوری در سطحی از قدرت قرار خواهد داد که می‌تواند با واپایش تحرکات سطحی و زیرسطحی اشراف کامل بر تمامی تحرکات صورت‌گرفته در منطقه را کنترل نماید.

۷) مقاله علمی - پژوهشی: طاهری، ابراهیم و صادقی بکیانی، امین (۱۳۹۵)، تأثیر ساخت

مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای (مطالعه موردی مجموعه امنیتی خلیج فارس)، مجله سیاست دفاعی.

نتیجه این پژوهش: خلیج فارس به‌عنوان یک زیرمجموعه امنیتی در غرب آسیا است که به‌علت آنارشیک‌بودن منطقه و امنیت مبتنی بر خودیاری، الگوهای امنیتی فردگرایانه در آن غالب است. این الگوها شامل بازدارندگی یکجانبه و موازنه قوا می‌شوند که به‌علت تبعی‌بودن این الگوی امنیتی، رفتارهای خاص از آن تعارضی و پیامد ناشی از آن نیز، منجر به امنیت‌زدایی منطقه شده است. پیامدهای امنیتی الگوی مذکور بر امنیت ملی کشورها تأثیر داشته است که یکی از این کشورها ایران می‌باشد.

با بررسی پیشینه‌ها و بررسی نتایج معلوم شد پژوهش منسجمی که بیان‌کننده راهبردهای تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس باشد صورت نگرفته است؛ لذا آنچه به‌عنوان هدف پژوهش ذهن محقق را به‌خود معطوف نمود این بود که با توجه به ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدات و فرصت‌ها، طرح راهبردی تأمین منافع ملی ایران در خلیج فارس را ارائه نماید.

## مفاهیم:

### (۱) طرح<sup>۱</sup>

تعریف طرح: طرح متشکل از فعالیت‌های منطقی و مرتبط به یکدیگر است که زیرنظر یک مدیریت و ارگان اجرایی مشخص، برای تأمین هدف یا اهداف مشخص، در یک چارچوب برنامه زمانی اجرا می‌گردد. یا به مجموعه‌ای از پروژه‌ها که به‌صورت هدفمند در راستای مزایا و اهداف استراتژیک در یک مجموعه قرار گرفته‌اند، گفته می‌شود. تعریف بهتر توسط انیستیتو مدیریت پروژه<sup>۲</sup> ارائه شده است که در آن طرح عبارت است از مجموعه‌ای از پروژه‌های مرتبط به هم که به‌خاطر منفعی که از مدیریت هماهنگ آن‌ها حاصل می‌شود، لازم است به‌صورت هم‌راستا (و نه جداگانه) مدیریت شوند. در تعریفی دیگر، روش یا تدابیری است که برای انجام یک عمل نظامی یا انتظامی، آمادگی یگان را برای روبروشدن با یک پیشامد در یک منطقه معین نشان می‌دهد. با

1. Plan  
2. Project Management Institute(PMI)

اینکه طرح‌ها بر مبنای شرایط با فرضیه‌های ویژه‌ای تهیه می‌شوند، نباید آن‌ها را ثابت و تغییرناپذیر پنداشت بلکه با برآوردها، تجزیه و تحلیل‌ها و بررسی‌های مداومی که در جریان طرح‌ریزی کلی صورت می‌گیرد، طرح‌ها تغییر یافته و تصحیح می‌گردند و با نیازمندی‌های روز تطبیق داده می‌شوند (شکری پور، ۱۳۹۲).

## ۲) راهبرد<sup>۱</sup>

راهبرد در لغت به معنی فن اداره عملیات جنگی و دانش رهبری نظامی است (معین، ۱۳۷۱:۲۴۷). راهبرد، برنامه‌ریزی امکانات شامل تشخیص و آرایش توانایی‌های سازمانی برای استقرار پیروزمندانه آن در شرایط محیطی متفاوت است (آنسف و دیگران، ۱۳۷۵:۱۲). به عقیده میتزبرگ، کوئین و گوشال، راهبرد سازمان عبارت است از الگوی تصمیمات سازمان که بیانگر و مشخص‌کننده اهداف و مقاصد سازمان و منشأ سیاست‌های اصلی و برنامه‌هایی برای نیل به این اهداف است و دامنه و نوع فعالیت‌های سازمان و نیز شیوه سازماندهی منابع اقتصادی و انسانی آن را در راستای دستیابی به مقاصد و تأمین خواسته‌های سهام‌داران، کارکنان، مشتریان و گروه‌های ذی‌نفع تعریف می‌کند (میتزبرگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴: ۶۰-۵۳). راهبرد، یکی از مسائل مطرح و پرکاربرد در مباحث مدیریت سازمانی و مدیریت راهبردی است. برخی معتقدند که راهبرد، عمل تجهیز و به‌کارگیری نیروها و توانایی‌ها در جهت دستیابی به هدفی معین است. در کتب لغت، راهبرد معادل «استراتژی» است (انوری، ۱۳۸۱: ج ۴، ۳۵۶۹) و استراتژی عبارت است از مسیری که به موازات اجرای مأموریت، ما را به سوی چشم‌انداز رهنمود می‌نماید؛ یا به بیان دیگر، استراتژی مسیر حرکت به سوی چشم‌انداز را ارائه می‌دهد (آهنچی، ۱۳۸۹: ۳۶۱).

## ۳) طرح راهبردی<sup>۳</sup>

عبارت است از مجموعه‌ای از عوامل محیطی و اصول اساسی که براساس اهداف، اسناد بالادستی و چشم‌انداز با یک فرایند علمی و منطقی منجر به راهبردهای مطلوب می‌گردد (خالدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴).

---

1. Strategy  
2. Mintezberg et al  
3. Strategic Plan



#### ۴) منافع ملی<sup>۱</sup>

منافع ملی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم سیاسی مربوط به سیاست خارجی کشورهاست. این مفهوم از ترکیب دو واژه منافع و ملی تشکیل شده است که هر کدام از آن‌ها به نوبه خود از گستردگی معنایی زیاد برخوردار هستند. این امر از جهاتی باعث ابهام در مفهوم منافع ملی گردیده است. با این وجود منافع ملی آن دسته از منافع تلقی می‌شوند که دولت‌ها به‌عنوان یک مجموعه و به نمایندگی از ملت‌های‌شان در روابط خود با سایر کشورها در پی تحقق آن می‌باشند. مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی کشورها در دوران پس از جنگ جهانی دوم و تحت تأثیر آموزه‌های مکتب واقع‌گرایی مورد توجه واقع شد. در این دوران هانس‌جی مورگانتا<sup>۲</sup> یکی از بزرگترین نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، نظریه واقع‌گرایی سیاست بین‌الملل را بر مبنای مفهوم منافع ملی بنا نهاد. مورگانتا منافع ملی را آن دسته از منافع تلقی می‌کند که دولت‌ها در یک برهه زمانی خاص و در پرتو شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی سیاست خارجی، خود را بر مبنای آن تنظیم می‌کنند و در روابط خود با سایر کشورها در پی تحقق آن هستند. در نظام بین‌الملل کشورها اهداف متفاوتی دارند که تحقق این اهداف نیز نیازمند شیوه‌های مختلف سیاست خارجی می‌باشد. البته بسیاری از جمله مورگانتا و طرفداران مکتب واقع‌گرایی معتقدند که مفهوم منافع ملی از عینیت برخوردار است و برای تمامی کشورها صرف‌نظر از ارزش‌های مطلوب آن‌ها یکسان می‌باشد. در این دیدگاه مفهوم منافع بر پایه مفهوم قدرت تعریف می‌شود که بر مبنای آن اهداف سیاست خارجی هر کشور نباید فراتر از قدرت آن کشور تعریف شود؛ چراکه منابع تحقق خواسته‌های ملی برای کشورها در نظام بین‌الملل به شدت محدود است. با این وجود، جیمز روزنا<sup>۳</sup> یکی از بزرگترین نظریه‌پردازان اخیر روابط بین‌الملل از این نگرش انتقاد می‌کند و تأکید دارد که منافع ملی کشورها ریشه در ارزش‌ها دارند و در محاسبه قدرت آن‌ها ارزش‌های مطلوب آن‌ها نیز دخیل هستند، در نتیجه کشورهای مختلف اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. (صباغیان، ۱۳۸۶: ۱۲)

---

1. National Interest  
2. Hans J. Morgenthus  
3. James rosna

## ۵) خلیج فارس<sup>۱</sup>

این منطقه از مهم‌ترین مناطق جهان از منظر ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک به حساب می‌آید و یکی از مناطق راهبردی مهم دنیا محسوب می‌شود. خلیج فارس آبراهی راهبردی است که حجم بالایی از منازعات را به خود دیده است. اختلافات قومی - مذهبی و تاریخی، در کنار درگیری‌های مرزی و سوء تفاهمات سیاسی از جمله عوامل واگرایی در این منطقه بوده است. از طرف دیگر موقعیت راهبردی این منطقه سبب شده تا توجه دولت‌های استعماری به این منطقه جلب شود که همین امر یکی از عمده‌ترین دلایل ناامنی و بی‌ثباتی در خلیج فارس به‌شمار می‌رود. جایگاه انرژی خلیج فارس نیز موقعیت ممتازی به آن می‌بخشد که در مجموع شامل ۵۹/۱ درصد از کل ذخایر ثابت شده نفت و ۴۰ درصد از کل ذخایر ثابت شده گاز جهان می‌باشد. خلیج فارس تقریباً ۴۱ درصد مصارف نفتی جهان را تأمین می‌کند (مرکز تحقیقات راهبردی، ۱۳۸۹)؛ لذا خلیج فارس منزلت ژئوپلیتیک بالایی دارد که در موازنه قدرت جهانی بسیار تأثیرگذار است. به همین دلیل انگلستان و بعد آمریکا به این منطقه توجه خاصی داشته و دخالت این بازیگران فرامنطقه‌ای از گذشته باعث گسترش مناقشات امنیتی در خلیج فارس شده است. به دلیل سطح بالای همین دخالت‌های فرامنطقه‌ای و همچنین اهمیت راهبردی این منطقه، کشورهای همجوار ناگزیر با یک جور معمای امنیت مواجه هستند؛ لذا نمی‌توانند مسائل امنیت ملی خود را بدون توجه به مسائل منطقه‌ای طرح و حل و فصل نمایند (مرادی، ۱۳۹۴: ۹).

### ادبیات نظری پژوهش

#### ابعاد و ظرفیت‌های خلیج فارس برای تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

##### ۱) اهمیت ابعاد راهبردی منطقه خلیج فارس

به‌طور خلاصه باید گفت آنچه در ابتدا خلیج فارس را به شاه‌رگ حیاتی جهان تبدیل نمود، کشف نفت بود؛ کالایی که پس از گذشت قرن‌ها، با وجود پیشرفت علم و فناوری هنوز جایگزین مناسبی برای آن یافت نشده است؛ اما اهمیت این منطقه، صرفاً در وجود منابع گسترده معدنی آن خلاصه نمی‌شود و نقش سیاسی منطقه خلیج فارس، با توجه به اهمیت ایدئولوژیکی، ارتباطی،

1. Persian Gulf

ژئواکونومیک<sup>۱</sup> و ژئواستراتژیک آن متبلور و آشکار می‌شود. در واقع، برای بررسی و تحلیل اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس، بررسی و مطالعه مؤلفه‌های ذیل امری ضروری است:

الف) وضع طبیعی و موقعیت جغرافیایی خلیج فارس؛

ب) ذخایر عظیم نفت و گاز (اهمیت ژئواکونومیک)؛

ج) بازار مصرف (اهمیت تجاری و اقتصادی)؛

د) ظرفیت فرهنگی (اهمیت ایدئولوژیکی).

#### ظرفیت طبیعی و موقعیت جغرافیایی خلیج فارس

خلیج فارس به لحاظ وضع طبیعی و موقعیت جغرافیایی، از دیرزمان حائز اهمیت بوده است. از یک طرف، این منطقه حلقه ارتباطی میان شرق و غرب بوده و از سوی دیگر، به دلیل داشتن تنگه هرمز که یکی از استراتژیک‌ترین تنگه‌های جهانی است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در واقع خلیج فارس محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است و از نظر راهبردی، در منطقه خاورمیانه به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرکز ارتباطی بین سه قاره است و بخشی از یک سیستم ارتباطی را که دو دریای مدیترانه و سرخ و دو اقیانوس هند و اطلس را به هم متصل می‌کند تشکیل می‌دهد. به همین جهت، این موقعیت از روزگاران پیشین مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است و تجار و بازرگانان، کالاها را از شرق و جنوب آسیا به خلیج فارس حمل می‌کردند و از آنجا به سواحل مدیترانه و اروپا و بالعکس می‌برند (زارعی، ۱۳۷۸:۱). درحقیقت تا قبل از کشف آمریکا یعنی سال ۱۴۹۲ میلادی، کالاهایی چون مروارید، ابریشم، چینی، ادویه و ... از دو راه به غرب حمل می‌شد و آن دو راه مهم عبارتند از: راه زمینی معروف به جاده ابریشم و راه دریایی معروف به راه ادویه. دو راه مذکور، از خلیج فارس و سواحل شرقی مدیترانه می‌گذشتند. با کشف دماغه امید نیک<sup>۲</sup>، اهمیت خلیج فارس از نظر ارتباط کاسته نشد؛ زیرا به‌واسطه دوری مسیر دریایی، از دیرباز خلیج فارس یک چهار راه ارتباطی دریایی محسوب می‌شده است از این رو، بنادر خلیج فارس لنگرگاه مناسبی برای کشتی‌ها بوده است. درحقیقت کشتی‌ها، خلیج فارس را ایستگاه دریایی مناسبی برای دریافت خدمات دریایی و تبادل کالا می‌دانستند (رفیعی، ۱۳۸۱:۱).

1. Geoeconomic  
2. Cape of Good Hope

### ظرفیت ژئواکونومیک و وجود ذخایر عظیم نفت و گاز

مهم‌ترین عامل استراتژیک خلیج فارس، وجود منابع عظیم نفت و گاز است؛ به گونه‌ای که این منطقه را «مخزن نفت جهان» نام نهاده‌اند. با وجود تحولات دهه‌های اخیر و تلاش برای جایگزین کردن انرژی‌های آب، باد، خورشید، اتمی و ...، هم‌چنان نفت به‌عنوان انرژی برتر و اصلی‌ترین ماده اولیه تولیدی صنایع، اهمیتش را حفظ کرده است و روزبه‌روز بر ارزش آن افزوده می‌شود. در واقع نفت، «کالای استراتژیک»<sup>۲</sup> به‌شمار می‌آید که از راه‌های گوناگون بر سیاست‌های جهانی تأثیرگذار است و هرگونه تغییر و تحولی در صادرات آن، پیامدهای یکسانی بر کل جهان دارد و عدم ثبات بهای نفت، تهدیدی جدی است که همواره بازارهای نفتی را با بحران مواجه می‌کند. نفت طی قرن بیستم، در حقیقت عامل بسیار مهمی در تحولات نظامی سیاسی و اقتصادی جهان بوده و برای سال‌های قابل پیش‌بینی نیز چنین خواهد بود. در این میان منطقه خلیج فارس، به علت تسلط بر ذخایر عظیم، قدرت تولید و توان صادراتی قابل توجه، در حقیقت مرکز این تحولات و وقایع مهم بوده است و هست و تقریباً همه کشورهای جهان، کم و بیش به این حوزه وابسته‌اند و حیاط اقتصادی و نظامی - سیاسی بسیاری از این کشورها - به‌خصوص کشورهای عربی، غرب و ژاپن - به ادامه بی‌وقفه جریان نفت از حوزه خلیج فارس وابسته است (الهی، ۱۳۹۶: ۱۱۳)؛ بنابراین خلیج فارس از مهم‌ترین مخازن انرژی جهان به‌شمار می‌آید که در تأمین انرژی آینده جهان، نقشی اساسی برعهده دارد. نیاز روزافزون کارخانجات صنعتی به نفت و غیر قابل جایگزین بودن آن توسط انرژی‌های دیگر، به منطقه خلیج فارس «جایگاه ژئواکونومیک» خاصی بخشیده است.

در واقع، منطقه خلیج فارس افزون بر موقعیت ژئوپولیتیک، موقعیت ژئواکونومیک نیز دارد و آنچه از همه سمت، بر احراز چنین موقعیتی تأثیرگذار بوده، مسأله نفت و گاز است. تحولات نظام بین‌الملل، بیانگر آن است که در هزاره سوم میلادی، قدرت برتر، از آن کسی خواهد بود که بر

#### 1. World Oil Reservoir

۲. کالای استراتژیک (STRATEGIC MATERIAL): هر نوع ماده خام یا اولیه که از نظر استراتژی بارزش و برای دفاع ملی و پیشبرد جنگ مدرن ضروری باشد. اگر در یک کشور عرضه واقعی یا بالقوه کالاهای استراتژیک کم‌تر از مقداری باشد که برای شرایط اضطراری پیش‌بینی شده است، قبل از پدید آمدن چنین شرایطی، اقدام به ذخیره‌سازی (STOCKPILING) می‌کند (فرهنگ علوم سیاسی و نمایه انگلیسی - فارسی، ص ۳۲۹).

انرژی جهانی، به‌ویژه نفت و گاز تسلط یابد؛ بنابراین جای تعجب نیست که خلیج فارس به‌عنوان بزرگ‌ترین مخزن انرژی جهان، کانون توجه جهانی قرار گرفته است. این منطقه، ذخایر نفتی جهانی بسیار بالایی دارد و از این نظر، برای کشورهای صنعتی شاهرگ حیاتی به‌شمار می‌آید که چرخه اقتصاد را به‌گردش درمی‌آورد. کشورهای خلیج فارس، ۶۲ درصد از مجموع نفت مصرفی بازارهای جهان را تولید می‌کنند (رودباری، ۱۳۷۵: ۱۷-۱۶). به‌علاوه، عمق کم این خلیج، امکان بهره‌برداری از منابع نفت و هم‌چنین منابع دریایی آن‌را به سهولت و ارزانی فراهم می‌آورد و هزینه‌های پایین استخراج نفت و گاز، توجه کشورهای صنعتی را به خود جلب کرده است. به‌طور خلاصه به لحاظ ذخایر نفتی، مزیت خلیج فارس در برابر دیگر نقاط جهان، به شرح ذیل است:

الف) منابع نفتی فراوان منطقه (۶۴ درصد کل ذخایر جهان، در کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد).

ب) سهولت استخراج

ج) هزینه تولید پایین (هزینه تولید اوپک، بین یک تا سه دلار در مقایسه با هزینه شش تا ده دلار برای هر بشکه تولیدکنندگان غیر اوپک می‌باشد).

د) مازاد ظرفیت تولید طوری که این کشورها، مصرف بسیار محدود داشته و اصولاً جهت صادرات، اقدام به تولید و استخراج نفت می‌نمایند. کل کشورهای اوپک، دو درصد و کشورهای حوزه خلیج فارس، کم‌تر از یک درصد مصرف جهانی نفت را دارند.

ه) کیفیت بالای نفت خام منطقه

و) سهولت حمل و نقل

ز) توان تولید زیاد چاه‌های نفت (در حوزه خلیج فارس، از هر حلقه چاه نفت، می‌توان حدود ۲۵۰ هزار تن نفت در سال استخراج کرد درحالی که حجم قابل مقایسه در آمریکا، فقط ۱۰۰۰ تن در سال است)

ح) امکان کشف ذخایر جدید نفتی وسیع در این منطقه، در مقایسه با سایر مناطق جهان (الهی، ۱۳۹۶: ۱۱۷).

یکی دیگر از منابع پراهمیت انرژی، گاز طبیعی است. میزان قابل توجهی از این انرژی، در منطقه خلیج فارس یافت می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد پس از روسیه، جمهوری اسلامی ایران، قطر،

امارات متحده عربی و عربستان، به ترتیب دومین، سومین، چهارمین و پنجمین ذخایر بزرگ گاز را در دنیا در اختیار دارند. ذخایر این منطقه، مخازن گازی شمال قطر و میدان پارس جنوبی ایران را دربرمی‌گیرد (جودت، ۱۳۸۰: ۶۲).

#### ظرفیت تجاری و مبادلاتی و بازار مصرف منطقه

کشورهای حاشیه خلیج فارس که بیشتر در شمار کشورهای جهان سوم هستند، در اوایل قرن نوزدهم و با اکتشاف نفت، به درآمدهای بادآورده کلانی دست یافتند که هیچ‌گونه تلاشی برای کسب آن انجام نداده بودند. از سویی دیگر، به دلیل ساختار غیردموکراتیک حاکمیت در این منطقه، بیشتر حاکمان، مقبولیت چندانی بین افکار عمومی داخلی نداشتند و با علم به این واقعیت، حرکت به سمت سیاست‌های رفاه عمومی را آغاز کردند، بی‌آنکه اقتصاد این کشورها از زیرساخت‌های مناسب برخوردار باشد. کم‌کم فرهنگ مصرف‌گرایی در میان اقشار جامعه رواج یافت و دولت مجبور بود برای پاسخ به تقاضاهای مصرفی، هر روز بیش از پیش به واردات کالاهای لوکس خارجی بپردازد. همچنین در حوزه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، از آنجا که توانایی جذب سرمایه‌های کلان را نداشتند، به جای گسترش صنایع مادر، به توسعه صنایع مونتاژ اکتفا کردند و بدین ترتیب، هر روز بیش از پیش به واردات خارجی وابسته شدند. اسراف در مصرف، تمایل زیاد به واردات و افزایش بی‌حساب هزینه‌های نظامی موجب برگشت قسمت زیادی از درآمدهای نفتی به غرب گردید (مدنی، ۱۳۹۳: ۲۲۲). ذخایر ارزی فراوان و بالارفتن قدرت خرید، این امکان را به وجود آورده است که هر کالایی را به هر قیمتی که شده و از هر نقطه دنیا - از ریودوژانیرو گرفته تا توکیو و نیویورک تا سنگاپور - تهیه کنند. مقامات دولتی برای خشنودی مردم، بدون آینده‌نگری، هر آنچه را با پول می‌توان به دست آورد، خریداری می‌کنند و تلاش دارند که کمبودها را با واردات جبران کرده، اشتباهات خود را پوشیده نگاه دارند و بدین ترتیب درآمدهای کلان نفت، مانع ظاهرشدن نارسایی‌ها و مشکلات موجود حاصله از اعمال سیاست‌های غلط کشاورزی و صنعتی می‌شود. این کشورها، حتی برای تهیه مواد غذایی نیز نیازمند بازارهای خارجی شده و در حوزه کشاورزی نیز که عموماً تا قبل از آن صادرکننده بودند، نیازمند واردات از خارج شده‌اند. در واقع، مصرف‌گرایی بیماری جدیدی است که اقتصاد کشورهای حاشیه خلیج فارس را فلج نموده و بیش از پیش به محصولات خارجی وابسته ساخته است؛ گویی تولید و استخراج نفت، بیش از آنکه به نفع

تولیدکنندگان باشد، در راستای منافع کشورهای سرمایه‌داری است. درآمدهای بادآورده نفت، توان خرید این کشورها را بالا برده و بالطبع، میزان واردات آن‌ها را افزایش داده است و به این ترتیب، دلارهای نفتی بار دیگر به ممالک صنعتی بازگردانده می‌شوند (رویترز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

### ظرفیت فرهنگی و اهمیت ایدئولوژیکی منطقه

به گواه تاریخ، منطقه خلیج فارس، همواره گهواره تمدن‌های درخشان بشری بوده است و اقوام بسیاری چون ایلامی‌ها، سومری‌ها، کلدانی‌ها، آشوری‌ها، بابلی‌ها، مصری‌ها، کتانی‌ها و فنیقی‌ها، فرهنگ خویش را از راه خلیج فارس به دیگر نقاط جهان صادر می‌کردند. گویی آنان از خلیج فارس به‌عنوان کانون صدور پیام تمدن خود استفاده می‌نمودند. (الهی، ۱۳۹۶: ۱۸). به‌علاوه، این منطقه نه تنها جایگاه تمدن‌های بزرگ بوده، بلکه خاستگاه پیامبران بزرگ الهی نیز بوده است؛ به‌ویژه، زادگاه پیامبر اکرم (ص) آخرین پیامبر الهی، در این منطقه قرار دارد. دین اسلام در قرن هفتم میلادی با ظهور پیامبر بزرگ آن، در شبه جزیره عربستان و درحقیقت در سرزمینی که تا آن زمان بستر حوادث و درگیری‌های بزرگی بود به‌وجود آمد. این تفکر الهی، به‌سرعت گسترش یافت و قلمرو عظیمی را از اقیانوس اطلس تا کرانه‌های غربی اقیانوس آرام دربرگرفت.

در حال حاضر، مجموعه عظیم جغرافیای جهان اسلام، شامل سرزمینی به طول یازده هزار کیلومتر و به عرض بیش از پنج هزار کیلومتر، با ترکیبی بسیار متنوع از نظر انسانی و طبیعی می‌شود (عزتی، ۱۳۹۴: ۳۱) که همه این مجموعه عظیم، تحت رهبری ایدئولوژیکی مرکز آن، یعنی خلیج فارس قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که این منطقه، امروز به‌عنوان قلب جهان اسلام، هدایت تمام جریان‌های اسلامی را برعهده گرفته است و خط‌دهنده تمامی حرکت‌های سیاسی - مذهبی و اسلامی سراسر جهان به‌شمار می‌آید. از آنجا که تحولات بزرگ سیاسی - مذهبی جهان اسلام از این منطقه آغاز شده است، از ابتدای پیدایش قدرت‌های جهانی و شکل‌گیری سیستم‌های بین‌المللی، به این منطقه توجه ویژه‌ای شده است به‌خصوص حوزه خلیج فارس که حکم قلب منطقه را بازی می‌کند. این توجه، روزبه‌روز ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته است تا جایی که گستره

1. Reuters

آب‌های خلیج فارس و دریای عمان، به‌عنوان محور استراتژی‌های جهانی در قرن بیست و یکم مورد تأکید قرار گرفته است (عزتی، ۱۳۹۴:۳۳). آقای مظفر نامدار در کتاب خود، از قول «برنالد لوئیس»<sup>۱</sup> می‌نویسد «مواجهه بعدی، یقیناً از ناحیه جهان اسلام خواهد بود ... ما با روحیه و حرکتی فراتر از سطح مسائل و سیاست‌هایی که دولت‌ها به دنبال آن هستند، روبه‌رو هستیم. این اوضاع، چیزی جز برخورد تمدن‌ها نیست. ممکن است این مسأله غیرمنطقی تصور شود؛ ولی تردید، یک واکنش تاریخی است که رقیب دیرینه ما [اسلام] بر ضد میراث یهودی - مسیحی و سکولاریزم ما و هم چنین گسترش جهانی این دو پدیده، از خود نشان می‌دهد» (نامدار، ۱۳۹۰:۱۱). آری؛ هراس غرب از نفوذ فرهنگ ملتی است که پس از سال‌ها چپاول اقتصاد و فرهنگ، در حال بیداری است. احیای تفکر اصیل اسلامی، زنگ خطری است که فرهنگ غرب را به چالش خواهد کشید. آن‌گونه که برژینسکی می‌گوید «ممکن است آمریکا با خطر رویارویی فرهنگی - فلسفی با جهان اسلام روبه‌رو شود؛ جهانی که غرب به‌طور قابل توجهی از گرایش‌های بنیادگرایانه آن در هراس است و در عین حال، به شدت در پی تحقیر آن نیز برآمده است (برژینسکی، ۱۳۸۵:۲۲۵). دنیای اسلامی که در هفتاد - هشتاد سال گذشته، به خواب رفته بود امروز دوباره بیدار گردیده است. حرکت یک مذهب که هم، راه مردمی و اجتماعی و هم، جهت سیاسی یک انسان را برنامه‌ریزی می‌نماید، شروع شده است (دیتل، ۱۳۷۶:۲۰). این در حالی است که رهبری و هدایت مسلمانان جهان، در منطقه خلیج فارس قرار دارد؛ منطقه‌ای که خاستگاه دین اسلام بوده و مقدس‌ترین مکان‌های مذهبی مسلمانان در آن واقع است.

## ۲) اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس

منطقه‌ای که از زمان‌های گذشته از نظرگاه کشورهای مختلف، والاترین دید ژئوپلیتیک و ژئوراهبردی را داشته و همچنان دارد، منطقه خلیج فارس است. این منطقه همچنین منابع عظیم انرژی، شاهراه ترانزیت انرژی و اهمیت اقتصادی - نظامی و راهبردی دارد. در این حوزه در چهار دهه اخیر، سه رخداد مهم تهاجم عراق به جمهوری اسلامی ایران، تهاجم عراق به کویت و سپس اشغال عراق توسط نیروهای فرامنطقه‌ای به رهبری آمریکا به وقوع پیوسته که بر اهمیت مذکور

1. Bernard Lewis



افزوده است. امنیت این حوزه نه تنها برای کشورهای عضو حیاتی است بلکه امنیت مناطق همجوار از آسیای میانه گرفته تا مدیترانه و همچنین امنیت جهانی به خاطر منابع نفتی آن، به امنیت این حوزه وابسته است و جمهوری اسلامی ایران هم به دلیل داشتن بیشترین طول ساحل شمالی و همچنین پتانسیل‌های بالا، نقش مهمی در امنیت نظامی و تبدیل این امنیت به اهرم‌های قدرت دارد. در تحلیل ژئوپلیتیکی حوزه خلیج فارس و نقش آن در هندسه قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، وضعیت حوزه خلیج فارس در ارتباط با مسائل جمهوری اسلامی ایران و همچنین بررسی عوامل منطقه‌ای خلیج فارس که امنیت جمهوری اسلامی ایران مستقیماً با آن مربوط است مطرح می‌شود. امنیت خلیج فارس همچنین لازمه جریان بی‌خطر صدور نفت و ورود کالاهای بازرگانی می‌باشد. در ارزیابی کشورها و مناطق مختلف باید نگاه واقع‌بینانه حاکم باشد. هر کشور، منطقه و حوزه‌ای در جهان، همچون انسان‌ها شأن، مقام و ارزش بخصوص دارد. منطقه‌ای که کشورهای با تاریخ کهن، تمدن عظیم، عمیق، ملتی بزرگ و موقعیتی ممتاز را در حوزه خود جای داده باشد، با سایر مناطق که تاریخ، تمدن و هویت مشخصی ندارند قابل‌مقایسه نبوده و اهمیت این حوزه به‌طور خلاصه به دلایل زیر است:

- تأثیر این حوزه در معادلات و چالش‌های جهانی هم برای ایران و هم برای کشورهای این منطقه و کل جهان.
- موقعیت ژئوپلیتیک ویژه خلیج فارس.
- کشورهای واقع در این حوزه همچون جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، از دیرباز و زمان پیدایش قدرت‌های جهانی به‌خصوص در دوران جنگ سرد و بعد از آن اهمیت ویژه‌ای داشته‌اند.
- داشتن موقعیت بحری، بری و حتی گذرگاهی و منابع عظیم انرژی و نقش ژئوپلیتیکی آن‌ها به‌خصوص نفت بر اهمیت این کشورها افزوده است.
- تنگه هرمز به‌عنوان گلوگاه اقتصاد جهانی از جهت صدور نفت و ورود کالاهای مصرفی جایگاه خاص خود را دارد.
- اهمیت ژئوراهبردی و ژئوپلیتیک کشورهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی و گذرگاه هرمز به‌عنوان شاه‌کلید تمام فرآیندها و معادلات در این حوزه تأثیر جهانی دارد.

- وجود اشتراکات قومی، زبانی و مذهبی بین کشورهای حوزه خلیج فارس.
- چگونگی ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای بین این کشورها و تأمین امنیت از همین طریق و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در معادلات و طرح‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای (رستمی، ۱۳۹۲: ۵۳-۴۷).

### روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش، توصیفی و زمینه‌ای - موردی به صورت آمیخته (کمی و کیفی) و نوع پژوهش توسعه‌ای - کاربردی است. از نظر زمانی، پس از جنگ دوم خلیج فارس، از سال ۱۳۸۲ شمسی - زمان تهاجم نظامی آمریکا علیه عراق - تا سال ۱۴۰۴ شمسی - پایان برنامه ششم توسعه - و از نظر مکانی، حوزه جغرافیایی خلیج فارس می‌باشد. از نظر موضوعی، نحوه تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس را بررسی نموده است. جامعه آماری عبارتند از مدیران، سفرا و دیپلمات‌هایی که نسبت به حوزه خلیج فارس آگاه بوده، همچنین اساتید عضو هیئت علمی و مدیران سیاسی متخصص در حوزه راهبرد منطقه‌ای و بین‌المللی داخلی و خارجی که حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد داشته و اکثر قریب به اتفاق آن‌ها بیش از دو دهه و بعضاً سه دهه در حوزه تخصصی خود تجربه دارند. براساس ویژگی‌های بالا و طبق نظر استاد راهنما و اساتید مشاور، تعداد ۵۴ نفر به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. با توجه به اینکه جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر است، لذا جامعه نمونه منطبق با جامعه آماری بوده و پژوهش به صورت تمام‌شمار انجام شده است. اطلاعات این تحقیق از دو روش «میدانی» و «بررسی اسناد و مدارک (کتابخانه‌ای علمی و تخصصی)» گردآوری شده است. در روش کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و اطلاعات نظری مورد نیاز با جست‌وجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی به دست آمده است. در روش میدانی، پرسش‌نامه‌ای تنظیم شد که ۹۳ پرسش بسته آن از طریق طیف لیکرت در پنج سطح طبقه‌بندی گردید. در طراحی پرسش‌نامه با روش دلفی و با استفاده از نظر صاحب‌نظران، استادان و فرماندهان نظامی، شناسایی و سپس پرسش‌نامه مقدماتی تهیه و دو مرحله بین خبرگان توزیع شد و پس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسش‌نامه نهایی تهیه گردیده است. برای تعیین روایی پرسش‌نامه از روش روایی محتوا و توزیع دومارحله‌ای پرسش‌نامه و برای تعیین پایایی

آزمون، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده و یک نمونه اولیه بین خبرگان و کارشناسان پیش‌آزمون گردید. سپس با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از این پرسش‌نامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از  $0/8$  به‌دست آمد که نشان می‌دهد پرسش‌نامه مورد استفاده، قابلیت اعتماد لازم را دارد.

### شناسایی و تجزیه و تحلیل عوامل محیطی داخلی و خارجی

به‌منظور شناسایی و تجزیه و تحلیل محیطی حوزه خلیج فارس می‌بایست عوامل خارجی و داخلی که بر تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس تأثیرگذار هستند، شناسایی می‌شدند. به کمک مطالعه ادبیات مرتبط با موضوع خلیج فارس، این عوامل احصا و با کمک‌گرفتن از خبرگان امر و بررسی نظرات آن‌ها، این عوامل به‌صورت نظری به عوامل محیطی داخلی و خارجی تقسیم شدند. به‌عبارتی در این پرسش‌نامه‌ها نظر خبرگان امر در مورد نوع عوامل مذکور (به‌عنوان یکی از عوامل چهارگانه محیط داخلی و خارج شامل ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات) و همچنین وضع موجود این عوامل، در قالب سؤالات پنج‌گزینه‌ای - خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد که مقادیر کمی معادل عدد ۱ الی ۵ طوری که عدد ۱ نشان‌دهنده خیلی کم و عدد ۵ نشان‌دهنده خیلی زیاد بودند - مورد پرسش قرار گرفتند که پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها نتایج و جمع‌بندی آن‌ها به شرح ذیل می‌باشد. لیست هر یک از عوامل محیطی که جامعه آماری با آن موافق بوده به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. تعداد عوامل محیطی

محیط خارجی موثر بر منافع ملی در خلیج فارس		محیط داخلی موثر بر منافع ملی در خلیج فارس		عوامل محیطی
تهدیدات	فرصت‌ها	قوت‌ها	ضعف‌ها	
۲۷ مورد	۲۴ مورد	۲۵ مورد	۱۷ مورد	تعداد

### تجزیه و تحلیل محیط داخلی (ماتریس ارزیابی عوامل داخلی)

به‌منظور تجزیه و تحلیل محیط داخلی و براساس پرسش‌نامه‌های تنظیم‌شده که بین جامعه آماری توزیع و پاسخ‌های اخذشده از آن‌ها صورت گرفت، مقادیر به‌دست‌آمده برای عوامل محیط

داخلی یعنی ضعف‌ها و قوت‌ها در قالب یک جدول درج گردید و میانگین وضع موجود که بیانگر ضریب اهمیت آن عامل می‌باشد به همراه نمره موزون هر عامل که حاصل ضرب وزن در ضریب اهمیت می‌باشد، سپس برای هر یک از عوامل ضعف‌ها و قوت‌ها به صورت جداگانه محاسبه شد. نهایتاً مجموع نمره موزون ضعف‌ها را از مجموع نمره موزون قوت‌ها کم کرده، مقدار کمی برای محیط داخلی به دست می‌آید که نتایج آن به شرح جداول ۲ الی ۵ است.

جدول ۲. ماتریس ارزیابی IFE عوامل داخلی (ضعف‌ها)

ردیف	عنوان ضعف	وضع موجود (اهمیت)	
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن
۱	طول و نوع سواحل کشورهای حوزه خلیج فارس	۲/۳۸	$\frac{1}{42}$
۲	هم‌مرز بودن ایران با ۱۵ کشور	۲/۰۰	$\frac{1}{42}$
۳	تفاوت ایران از لحاظ نژادی و ترکیب قومی و زبانی با کشورهای منطقه	۲/۱۸	$\frac{1}{42}$
۴	مذهب تسنن به‌عنوان مذهب اول جنوب خلیج فارس	۲/۲۹	$\frac{1}{42}$
۵	وابستگی نسبی اقتصاد ایران به درآمدهای نفت	۲/۳۸	$\frac{1}{42}$
۶	وضعیت اقتصاد ایران به دلیل فشار اقتصادی آمریکا	۱/۶۸	$\frac{1}{42}$
۷	رقابت ایران و کشورهای منطقه برای دسترسی به منابع انرژی	۱/۴۸	$\frac{1}{42}$
۸	تحریم‌های گسترده علیه ایران توسط آمریکا	۱/۳۸	$\frac{1}{42}$
۹	وجود ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی نزد کشورهای حاشیه جنوبی	۱/۹۰۷	$\frac{1}{42}$
۱۰	طرح ایجاد کانال جدید برای صدور کالا و انرژی توسط امارات و عربستان	۱/۹۰۷	$\frac{1}{42}$
۱۱	وجود اقلیت‌های قومی و مذهبی در ایران	۱/۹۰۷	$\frac{1}{42}$

ردیف	عنوان ضعف	وضع موجود (اهمیت)		
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن	نمره موزون
۱۲	رویکرد منفی این کشورها به ایران	۱/۲۹	$\frac{1}{42}$	۰/۰۳
۱۳	فراهم شدن زمینه نفوذ قدرت‌های جهانی در کنترل تنگه هرمز	۲/۵	$\frac{1}{42}$	۰/۰۵۹
۱۴	ادعای ارضی امارات نسبت به سه جزیره ایرانی	۲/۱۸	$\frac{1}{42}$	۰/۰۵۱
۱۵	حضور و نفوذ دشمنان جمهوری اسلامی ایران در منطقه	۲/۵۹	$\frac{1}{42}$	۰/۰۶۱
۱۶	آلودگی سواحل خلیج فارس	۲/۸۸	$\frac{1}{42}$	۰/۰۶۸
۱۷	زمان بر بودن شکل‌گیری همکاری‌های امنیتی در منطقه	۲/۰	$\frac{1}{42}$	۰/۰۴۷
۰/۸۲۲	جمع کل نمرات موزون ضعف‌ها			

جدول ۳. ماتریس ارزیابی IFE عوامل داخلی (قوت‌ها)

ردیف	عنوان قوت	وضع موجود (اهمیت)		
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن	نمره موزون
۱	موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ج.ا.ایران	۳/۵۸	$\frac{1}{42}$	۰/۰۹۱۰
۲	قرار گرفتن ایران حدفاصل دو دریای مهم مازندران و خلیج فارس	۴/۲	$\frac{1}{42}$	۰/۱
۳	وسعت بیشتر ایران نسبت به همسایگان جنوبی	۴/۴۴	$\frac{1}{42}$	۰/۱۰۵
۴	طول زیاد مرزهای و سواحل ایران نسبت به کشورهای جنوب خلیج فارس	۴/۲۹	$\frac{1}{42}$	۰/۱۰۲
۵	عمق راهبردی مناسب جمهوری اسلامی ایران	۴/۳۵	$\frac{1}{42}$	۰/۱۰۳
۶	مالکیت جمهوری اسلامی ایران بر جزایر حساس خلیج فارس	۴/۲۲	$\frac{1}{42}$	۰/۱

ردیف	عنوان قوت	وضع موجود (اهمیت)	
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن
۷	کنترل بر تنگه هرمز توسط ایران	۳/۴	$\frac{1}{42}$
۸	جمعیت زیاد و ترکیب سنی مناسب ایران نسبت به حاشیه جنوبی	۳/۳۵	$\frac{1}{42}$
۹	وحدت حول محور اسلامی - ایرانی در ایران	۲/۹۴	$\frac{1}{42}$
۱۰	وجود ذخایر مناسب نفت و گاز در ایران	۲/۸۷	$\frac{1}{42}$
۱۱	خودکفابودن ایران در تولید برخی از محصولات کشاورزی راهبردی	۳/۶۶	$\frac{1}{42}$
۱۲	ظرفیت‌های گوناگون بالای اقتصادی ایران	۳/۹۲	$\frac{1}{42}$
۱۳	وجود ذخایر وسیع و فراوان معدنی در ایران	۳/۷۴	$\frac{1}{42}$
۱۴	ایران راه ترانزیت آسیای میانه و قفقاز به دریای آزاد	۳/۷۴	$\frac{1}{42}$
۱۵	هویت ملی و سابقه تاریخی طولانی ایران نسبت به کشورهای منطقه	۳/۵۹	$\frac{1}{42}$
۱۶	وجود دین مذهب به‌عنوان عوامل وحدت‌آفرین ایران	۳/۲۷	$\frac{1}{42}$
۱۷	ولایت‌فقیه به‌عنوان بالاترین رکن نظام جمهوری اسلامی ایران	۳/۷۲	$\frac{1}{42}$
۱۸	وجود یک دولت متمرکز و واحد در ایران	۳/۷۵	$\frac{1}{42}$
۱۹	وجود نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی در ایران	۳/۹۴	$\frac{1}{42}$
۲۰	عدم وابستگی ایران به قدرتهای بزرگ	۴/۳۱	$\frac{1}{42}$
۲۱	تفاوت نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران و این کشورها	۳/۹۸	$\frac{1}{42}$

ردیف	عنوان قوت	وضع موجود (اهمیت)		
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن	نمره موزون
۲۲	توان نظامی بالای نیروهای مسلح ایران	۳/۲۹	$\frac{1}{42}$	۰/۰۷۸
۲۳	وجود صنایع و مؤسسات تحقیقاتی در نیروهای مسلح کشور	۳/۶۴	$\frac{1}{42}$	۰/۰۸۶
۲۴	داشتن ویژگی‌های غیرمحسوس توان رزم	۳/۳۵	$\frac{1}{42}$	۰/۰۷۹۶
۲۵	تجربه دفاع مقدس و فعالیت‌های مستشاری در عراق و سوریه	۴/۱۲	$\frac{1}{42}$	۰/۰۹۸
۲/۲۱۶	جمع کل نمرات موزون قوت‌ها			
۱/۳۰۴	تفاضل مجموع نمرات موزون ضعف‌ها از قوت‌ها			

جدول ۴. ماتریس خارجی EFE حوزه (فرصت)

ردیف	عنوان فرصت	وضع موجود (اهمیت)		
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن	نمره موزون
۱	فقدان عمق راهبردی برخی از کشورهای این حوزه	۲/۴۴	$\frac{1}{51}$	۰/۰۴۷
۲	قرارگرفتن عمان بر سر راه دریایی و شریک ایران در کنترل تنگه هرمز	۲/۰۳	$\frac{1}{51}$	۰/۰۳۹
۳	مسلمان بودن و پیروی اکثریت مردم منطقه از اسلام	۲/۴۲	$\frac{1}{51}$	۰/۰۴۷
۴	وجود مهاجران به‌عنوان نیروی کار در حاشیه جنوبی خلیج فارس	۲/۲۲	$\frac{1}{51}$	۰/۰۴۳
۵	فقدان شبکه راه‌آهن در برخی از کشورهای این منطقه	۲/۴	$\frac{1}{51}$	۰/۰۴۷
۶	گوناگونی ساختار فرهنگی - مذهبی در خلیج فارس	۱/۶۶	$\frac{1}{51}$	۰/۰۳۲
۷	وجود قبله و اماکن مقدس مسلمانان در مکه و مدینه	۱/۶۶	$\frac{1}{51}$	۰/۰۳۲

ردیف	عنوان فرصت	وضع موجود (اهمیت)	
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن
۸	وجود خلق و خوی عشیره‌ای در کشورهای منطقه	۱/۴	$\frac{1}{51}$
۹	عدم همزیستی مسالمت‌آمیز شیعیان در عربستان و بحرین	۱/۷۹	$\frac{1}{51}$
۱۰	ایفای نقش مؤثر شیعیان عربستان در ثبات این کشور	۱/۷۹	$\frac{1}{51}$
۱۱	همکاری ایران با عراق و سوریه در مبارزه با تروریسم	۱/۷۷	$\frac{1}{51}$
۱۲	همکاری سوریه، ایران و روسیه در مقابله با تروریسم	۱/۲۴	$\frac{1}{51}$
۱۳	عضویت ایران در پیمان‌های سیاسی - دفاعی منطقه‌ای و ...	۲/۱۶	$\frac{1}{51}$
۱۴	بهره‌برداری ایران از ظرفیت‌های شیعیان در بحرین، کویت و عربستان	۱/۸۷	$\frac{1}{51}$
۱۵	برقراری روابط دوستانه با همسایگان و ایجاد درک مشترک از امنیت جمعی	۲/۳۸	$\frac{1}{51}$
۱۶	وجود اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی کشورهای خلیج فارس با یکدیگر	۲/۶۲	$\frac{1}{51}$
۱۷	عدم ثبات در حکومت کشورهای حوزه خلیج فارس	۲	$\frac{1}{51}$
۱۸	نبود دموکراسی در کشورهای جنوبی خلیج فارس	۲/۷۴	$\frac{1}{51}$
۱۹	بحران هویت و مشروعیت کشورهای جنوبی خلیج فارس	۲/۷۴	$\frac{1}{51}$
۲۰	همکارهای تسلیحاتی، نظامی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران با برخی کشورهای منطقه	۲/۹۶	$\frac{1}{51}$
۲۱	الزام‌آوردن معاهدات زیست‌محیطی در خلیج فارس	۳/۰۳	$\frac{1}{51}$
۲۲	تدوین معاهدات زیست‌محیطی برای خلیج فارس	۲/۶۲	$\frac{1}{51}$



ردیف	عنوان فرصت	وضع موجود (اهمیت)		
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن	نمره موزون
۲۳	تلاش برای شکل‌گیری سیستم امنیت دست جمعی	۱/۶۸	$\frac{1}{51}$	۰/۰۳۲
۲۴	اعلام پیام دوستی ایران به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس	۲/۱۸	$\frac{1}{51}$	۰/۰۴۲
۱/۰۰۶	جمع کل نمرات موزون فرصت‌ها			

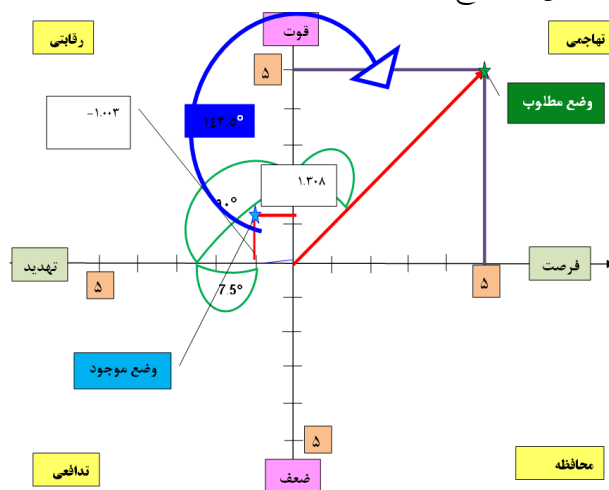
جدول ۵. ماتریس ارزیابی عوامل خارجی EFE (تهدید)

ردیف	عنوان تهدید	وضع موجود (اهمیت)		
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن	نمره موزون
۱	قرارگرفتن عربستان در میان دو آبراه مهم خلیج فارس و دریای سرخ	۴/۰۱	$\frac{1}{51}$	۰/۰۷۸
۲	قرارگرفتن امارات در کنار تنگه استراتژیک هرمز	۴/۳۱	$\frac{1}{51}$	۰/۰۸۴
۳	تسلط امارات متحده عربی بر رأس‌المسندم	۴/۱۶	$\frac{1}{51}$	۰/۰۸۱
۴	وجود جزایر استراتژیک متعدد مانند مصیره در عمان	۴/۲۲	$\frac{1}{51}$	۰/۰۸۲
۵	وجود ذخایر انرژی در کشورهای منطقه خلیج فارس	۳/۸۳	$\frac{1}{51}$	۰/۰۷۵
۶	درآمد سرانه بالای (نفتی) کشورهای منطقه	۴/۱۸	$\frac{1}{51}$	۰/۰۸۱
۷	نفوذ و قدرت زیاد عربستان در سازمان اوپک	۳/۸۵	$\frac{1}{51}$	۰/۰۷۵
۸	اقدام این کشورها جهت خارج شدن از اقتصاد نفتی	۴/۰۱	$\frac{1}{51}$	۰/۰۷۸
۹	امکانات مناسب و زیرساخت‌های حمل‌ونقل در منطقه	۳/۶۲	$\frac{1}{51}$	۰/۰۰۷
۱۰	ظرفیت‌های عظیم اقتصادی، بازرگانی، بانکداری و ...	۲/۹۸	$\frac{1}{51}$	۰/۰۵۸

ردیف	عنوان تهدید	وضع موجود (اهمیت)	
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن
۱۱	هویت‌های فراملی (پان‌عرب‌بسم و ...) در خلیج فارس	۳/۲۲	$\frac{1}{51}$
۱۲	سیر صعودی روند نوسازی اقتصادی و ... در این کشورها	۳/۹۶	$\frac{1}{51}$
۱۳	رابطه این دولت‌ها با آمریکا، غرب و رژیم صهیونیستی	۳/۹۶	$\frac{1}{51}$
۱۴	وابستگی سیاسی برخی دولت‌های منطقه به عربستان	۴/۰۹	$\frac{1}{51}$
۱۵	نقش عربستان و امارات به‌عنوان بازیگران منطقه‌ای در مقابله با ایران	۴/۳۱	$\frac{1}{51}$
۱۶	حضور آمریکا به‌عنوان یک بازیگر فرامنطقه‌ای در مقابله با ایران	۳/۷	$\frac{1}{51}$
۱۷	حضور کشورهای مهم اروپایی در مقابله با ایران	۴/۳۸	$\frac{1}{51}$
۱۸	پول و حمایت غرب محور ثبات همسایگان جنوبی	۴	$\frac{1}{51}$
۱۹	وابستگی نظامی این کشورها به آمریکا، روسیه و ...	۴/۰۵	$\frac{1}{51}$
۲۰	برخورداری آمریکا و غرب از پایگاه‌های نظامی متعددی در منطقه	۴/۵۱	$\frac{1}{51}$
۲۱	تلاش عربستان برای حفظ نفوذ خود در امنیت داخلی این کشورها	۴/۲	$\frac{1}{51}$
۲۲	انجام رزمایش‌های مشترک نظامی آمریکا و ناتو در منطقه	۴/۰۱	$\frac{1}{51}$
۲۳	انجام رزمایش‌های مرکب نظامی آمریکا و ناتو با کشورهای منطقه	۴/۰۷	$\frac{1}{51}$
۲۴	به‌هم‌زدن توازن اکولوژیکی خلیج فارس با ایجاد جزایر ممنوعی	۳/۵۵	$\frac{1}{51}$
۲۵	تعبیر نادرست کشورهای حاشیه جنوبی از مفهوم امنیت	۴/۲۲	$\frac{1}{51}$

ردیف	عنوان تهدید	وضع موجود (اهمیت)	
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن
۲۶	حضور بازیگران خارجی در خلیج فارس	۴/۳۱	$\frac{1}{51}$
۲۷	نبود پیش شرط‌های لازم جهت ترتیبات امنیت جمعی در خلیج فارس	۳/۹۴	$\frac{1}{51}$
۲/۰۹۶	جمع کل نمرات موزون تهدیدات		
-۱/۰۹	تفاضل نمره تهدیدات از فرصت‌ها		

از تحلیل جداول مذکور، موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع در خلیج فارس به شرح نمودار ذیل استخراج شد:



نمودار ۱. موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع در خلیج فارس

### راهبردهای بخشی

پس از بررسی عوامل درونی و خارجی و مشخص شدن نقاط موجود و مطلوب، وضعیت موجود کشورمان در حوزه منافع ملی در خلیج فارس در ربع رقابتی ارزیابی شد. برای رسیدن به بالاترین میزان منافع ملی موجود در خلیج فارس بایستی راهبردهایی برای رسیدن به وضعیت

مطلوب در ربع تهاجمی تدوین گردد. برای این منظور ابتدا ماتریس<sup>1</sup> SWOT را تشکیل و استراتژیهای چهارگانه از آن استخراج کنیم که نتایج به شرح جدول ۶ است:

جدول ۶: ماتریس SWOT

قوتها	ضعفها	
راهبردهای S-O	راهبردهای W-O	فرصتها
راهبردهای S-T	راهبردهای W-T	تهدیدها

توجه: ماتریس SWOT می تواند اشکال مشابه دیگری نیز داشته باشد که از نظر عملی تفاوتی ندارند.

S-O (که گاهی راهبرد Maxi-Max نامیده می شود): در اجرای راهبردهای SO سازمان با استفاده از نقاط قوت داخلی می کوشد از فرصت‌ها بهره‌برداری نماید. همه مدیران ترجیح می‌دهند سازمانشان در موقعیتی قرار گیرد که بتوانند با استفاده از نقاط قوت از رویدادها و روندهای خارجی بهره‌برداری نمایند.

W-O (یا Mini-Max): هدف استراتژی‌های W-O این است که سازمان با بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در محیط خارج، بکوشد نقاط ضعف داخلی را بهبود بخشد یا آنکه با برطرف کردن نقاط ضعف، حداکثر استفاده را از فرصت‌ها ببرد. گاهی در خارج از سازمان فرصت‌های بسیار مناسبی وجود دارد؛ ولی سازمان به دلیل ضعف داخلی نمی‌تواند از این فرصت‌ها بهره‌برد.

S-T (یا Maxi-Min): شرکت‌ها می‌کوشند با استفاده از نقاط قوت خود اثرات ناشی از تهدیدات موجود در محیط خارج را کاهش دهند یا آن‌ها را از بین ببرند. این بدان معنی نیست که یک شرکت قوی به ناگزیر در محیط خارجی با یک تهدید خارجی مواجه خواهد شد.

W-T (یا Mini-Min): سازمان‌ها حالت تدافعی به خود می‌گیرند و هدف، کم کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات ناشی از محیط خارجی است. سازمانی که نقاط ضعف داخلی داشته باشد و با تهدیدات بسیار زیادی در محیط خارج روبرو می‌شود، در موضعی

1. stands for Strengths, Weaknesses, Opportunities, and Threats

مخاطره‌آمیز قرار خواهد گرفت. در واقع چنین سازمانی، برای بقای خود مبارزه خواهد کرد، می‌کوشد برای حفظ بقا از فعالیت‌های خود بکاهد (استراتژی کاهش، همکاری یا واگذاری یا ادغام در شرکت‌های دیگر). در این استراتژی دو سؤال مطرح است؛ چگونه نقاط ضعف خود را کاهش دهیم که اثرات منفی تهدیدها را برطرف کنیم و با توجه به ضعف‌هایی که داریم چه کنیم که اثرات منفی تهدیدها کاهش یابد. کیفیت آنالیز SWOT صورت‌گرفته بسیار به ورودی‌های ماتریس SWOT وابسته و لازم است در تعیین عوامل قوت و ضعف، فرصت و تهدید، از جوانب مختلف به محیط داخلی و خارجی نگریسته شود تا بتوان ورودیهای صحیحی را در ماتریس SWOT یا آن چیزی که به پروفایل SWOT شناخته می‌شود داشته باشیم. نکته مهم آن است که از یک سو باید از جامعیت تحلیل محیط درونی و بیرونی اطمینان حاصل کنیم و از دیگر سو نباید تعداد عوامل ضعف، قوت، فرصت و تهدید زیاد باشد. زیادبودن تعداد عوامل نشان از آن دارد که تفکر راهبردی وجود ندارد؛ زمانی که همه چیز مهم است، هیچ چیز مهم نیست.

#### راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع ملی در حوزه خلیج فارس

پس از تدوین راهبردهای بخشی و تشکیل ماتریس SWOT، تعداد زیادی راهبرد بخشی در راستای تأمین منافع ملی به دست می‌آید. به منظور تدوین راهبردهای اصلی می‌بایست اکنون این راهبردها مورد بررسی مجدد واقع گردد و راهبردهای اصلی از ترکیب و هم‌پوشانی راهبردهای بخشی استخراج شود. در ادامه به این مهم پرداخته می‌شود و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع ملی در خلیج همیشه فارس به شرح زیر است:

جدول ۷: اولویت راهبردها

ردیف	شرح راهبرد	نوع راهبرد	نمره جذابیت نسبی
۱	تأکید بر مشترکات دین مبین اسلام به عنوان ایدئولوژی مشترک حاکم بر منطقه، حذف و رفع اختلافات مذهبی بین ایرانیان و اعراب، ایجاد فضای سیاسی بدون چیرگی، تغییر ذهنیت‌های منفی تاریخی کشورهای پیرامون خلیج فارس از هم، شفاف‌سازی اهداف نظامی این کشورها و اتخاذ شیوه‌های جدید در برقراری امنیت خلیج فارس	فرهنگی - اعتقادی	۰/۱۴۶

۲	توسعه آموزه‌های الهام‌بخش انقلاب اسلامی به‌عنوان سرآغاز، بیداری اسلامی در شرایط جهانی امروز جهت منزوی کردن آمریکا و رژیم صهیونیستی در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی	فرهنگی - اعتقادی	۰/۱۳۰
۳	جلوگیری از اقدامات خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه منابع حیاتی و حساس جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از تمامی قابلیت‌ها و امکانات داخلی و خارجی	امنیتی	۰/۱۲۸
۴	پیشبرد، تقویت و توسعه دیپلماسی پیشگیرانه و یافتن رویکردهای همگرایانه در همه زمینه‌ها (اقتصادی، زیست‌محیطی، اعتقادی، فرهنگی و ...) برای اعتمادسازی و حل و فصل اختلافات	سیاسی	۰/۱۲۴
۵	تلاش برای تأمین صلح پایدار، امنیت ملی، ثبات و تعادل منطقه‌ای از طریق همکاری با کشورهای منطقه و ایجاد اعتمادسازی و نشان‌دادن حسن‌نیت	سیاسی	۰/۰۷۵
۶	جلب حمایت همه‌جانبه برای توسعه زیرساخت‌های موردنیاز، حمایت از سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و بخش خصوصی با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت پایدار با عنایت به سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز و با هدف تعامل و تأمین منافع	اقتصادی	۰/۰۷۳
۷	بهره‌گیری از مزیت‌های ژئوپلیتیکی و شکل جغرافیایی سواحل خلیج همیشه فارس، تقویت و توسعه سواحل و ایجاد بنادر و کشتیرانی داخلی و خارجی	اقتصادی	۰/۰۷۲
۸	کمک به ایجاد اقتصاد چندمحصولی، سامان‌دهی فعالیت‌های دریایانه، مصرف درآمدهای نفتی در پشتیبانی از بخش تولید و تقویت صادرات کالاهایی مانند پسته، زعفران، خشکبار، صنایع تبدیلی و ... که از جمله پتانسیل‌های مثبت صادراتی کشور محسوب می‌شود و کشور در آن مزیت نسبی دارد.	اقتصادی	۰/۰۶۷
۹	ایجاد همکاری با کشورهای منطقه‌ای به‌منظور تأمین امنیت منطقه از طریق همکاری همه‌جانبه و برطرف کردن دغدغه‌های سنتی نظامی، نگرانی‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی	امنیتی	۰/۰۶۶
۱۰	ارتقای توان دفاع در عمق (آفند راهبردی) به‌منظور کسب آمادگی اقدام به‌موقع علیه نیروهای دشمن در منطقه از طریق بهره‌گیری از قابلیت‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، مهارت و توانایی، مدیریت و سازمان‌دهی نیروی نظامی و نیروی مردم‌پایه	نظامی	۰/۰۶۱
<b>ردیف</b>	<b>شرح راهبرد</b>	<b>نوع راهبرد</b>	<b>نمره جذابیت نسبی</b>
۱۱	تقویت اتحاد ملی با استفاده از حمایت از آیین‌های مختلف قومی و مذهبی، برگزاری جلسات توجیهی و اطلاع‌رسانی توسط مبلغان با محور قراردادن اتحاد ملی و انسجام اسلامی، تهیه برنامه‌هایی از جشن‌ها و عزاداری‌های دینی و ملی اقوام مختلف و احصای نمادهای وحدت ملی در هر استان و تبلیغ آن	فرهنگی - اعتقادی	۰/۰۵۸
۱	<b>جمع نمرات نسبی جذابیت</b>		

### الزامات تحقق راهبردهای تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس

در پژوهش حاضر می‌بایست شش دسته الزامات کلی برای پیاده‌سازی راهبردها فراهم گردد:

#### ۱) الزامات ساختاری:

- ایجاد تشکیلات سازمانی لازم با عنوان شورای راهبردی مدیریت تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس به‌عنوان متولی راهبری و پیگیری منافع. شورای مذکور با ترکیبی از اعضای مورد نیاز و متخصص تشکیل گردد.

- ایجاد ساختار لازم جهت به‌کارگیری نیروهای جوان و مستعد داخلی و نخبه.

- ایجاد ساختار مناسب جهت مطالعه، طراحی، سیاست‌گذاری، همسویی و هماهنگی منطقه‌ای.

#### ۲) الزامات فرآیندی:

تدوین برنامه‌های راهبردی، تأمین منافع همه‌جانبه دریابایه، تدوین و بازنگری فرآیندها و روش‌های موجود تأمین منافع، همچنین ایجاد و بازنگری شیوه‌های ارتباطات اداری و قانونی بین نهادهای دست‌اندرکار و مسئول مانند وزارت خارجه، سازمان بنادر و کشتیرانی، سازمان‌های نظامی، وزارت صمت، شیلات، وزارت نفت، وزارت کشاورزی، محیط زیست و ... .

#### ۳) الزامات فناورانه:

استفاده از سامانه‌های گوناگون تجهیزات و فناوری‌های به‌روز و نرم‌افزارهای مناسب موردنیاز برای تأمین منافع در حوزه خلیج فارس، راه‌اندازی سامانه مدیریت دانش به‌منظور ذخیره و نگهداری از دانش کسب‌شده مرتبط و فراهم‌سازی امکان استفاده از به‌روزترین فناوری‌ها و تجهیزات موجود در دنیا.

#### ۴) الزامات دانشی:

- گسترش هوشمندانه استفاده از فناوری‌های نوین داخلی.

- داشتن نگاهی پویا، علمی و متحرک، مبتکر و پرهیز از نگاه جزیی، بسته و ثابت.

- بازنگری علمی در دکترین‌ها از طریق به‌کارگیری الگوهای نوین دکتری‌ها و بهره‌برداری

مناسب از آن‌ها.

- فراگیرکردن فرهنگ مقاومت برای حفظ آمادگی مسئولین و مردم در همه سطوح.

#### ۵) الزامات منابع انسانی و تجهیزاتی:

- استفاده از ظرفیت‌های علمی و فنی بومی برای تأمین فناوری.
- برنامه‌ریزی برای کاهش وابستگی‌ها در بُعد تجهیزات در بخش‌های گوناگون فنی، صنعتی و ...
- مانایی و ماندگاری نیروها در خلیج فارس، علاوه بر داشتن جنگ افزار، توپ، تانک و هواپیما، نیازمند آموزش، انگیزه و ایمان است تا نیروی انسانی و رزمنده در این منطقه، جانانه در مقابل متجاوز مقابله و مقاومت نماید.
- ایجاد ارتباطات و زیرساخت‌های مشترک به نحوی که در شرایط بحرانی، قابلیت پشتیبانی مطلوب داشته باشد.

#### ۶) الزامات قوانین و مقررات:

- تدوین الزامات هم‌افزایی نیروهای مسلح برای عملیات مشترک جهت مقابله با تهدیدات احتمالی در منطقه.
- تهیه ضوابط و استانداردها و اصول هم‌افزایی برای زمینه جذب سرمایه در خلیج فارس.
- تدوین برنامه با توجه به ملاحظات منطقه‌ای جهت اجرا در طرح‌های توسعه‌ای در خلیج فارس.
- تدوین راهبرد خوداتکایی. این راهبرد سعی دارد تا از تمام توان داخلی، بین‌نیرویی، ملی و حتی منطقه‌ای برای تدارک آمادگانی بهره لازم را در فضای ناهم‌تراز در اختیار خود بگیرد.
- برنامه‌ریزی برای هدایت و راهبری مقابله با تهدیدات نوین (سایبری، زیستی، پرتوی، شیمیایی و اقتصادی) با تشکیل و سازماندهی قرارگاه‌های پدافند غیرعامل در موضوعات مرتبط با تهدید در منطقه خلیج فارس.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در راستای پاسخ به سؤال تحقیق، ابتدا با بهره‌گیری از نظرات خبرگان در مصاحبه‌های انجام‌شده و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه، عوامل مؤثر بر منافع جمهوری اسلامی



ایران استخراج و به دو دسته عوامل خارجی (۵۱ عامل) و عوامل داخلی (۴۲ عامل) تقسیم شدند. در نتیجه بررسی وضعیت موجود این عوامل که به کمک ابزار پرسش نامه و از تعداد ۵۴ نفر پرسش گردید، وضعیت موجود تأمین منافع ملی در خلیج فارس در ربع رقابتی واقع گردید. برای رسیدن به بهترین موقعیت وضع مطلوب، ابتدا ماتریس SWOT تشکیل و راهبردهای بخشی تدوین گردید؛ اما تعداد این راهبردها خیلی زیاد بود (۳۱ راهبرد) که در نهایت با ترکیب و همپوشانی نقاط قوت، ضعف و فرصت، تهدید راهبردهای اصلی شامل یازده راهبرد تدوین گردید.

پس از تدوین راهبردها به رتبه‌بندی هر یک از این راهبردها پرداخته شد که می‌تواند به لحاظ جذابیت و اثر از دیدگاه خبرگان امر در تأمین منافع خلیج فارس ایفای نقش نماید. به همین منظور یازده راهبرد تدوین شده در قالب پرسش نامه‌ای با مقیاس چهارگزینه‌ای از کاملاً غیرجذاب تا کاملاً جذاب تدوین و در اختیار تعدادی از خبرگان قرار داده شد که نهایتاً با تشکیل ماتریس qspm رتبه عددی جذابیت هر کدام از راهبردها مشخص گردید. بالاترین نمره جذابیت به راهبرد «تأکید بر مشترکات دین مبین اسلام به‌عنوان ایدئولوژی مشترک حاکم بر منطقه، حذف و رفع اختلافات مذهبی بین ایرانیان و اعراب، ایجاد فضای سیاسی بدون چیرگی، تغییر ذهنیت‌های منفی تاریخی کشورهای پیرامون خلیج فارس از هم، شفاف‌سازی اهداف نظامی این کشورها و اتخاذ شیوه‌های جدید در برقراری امنیت خلیج فارس» تعلق گرفت و پایین‌ترین نمره جذابیت مربوط به راهبرد «تقویت اتحاد ملی با استفاده از حمایت از آیین‌های مختلف قومی و مذهبی، برگزاری جلسات توجیهی و اطلاع‌رسانی توسط مبلغان و روحانیون با محور قرار دادن اتحاد ملی و انسجام اسلامی، تهیه برنامه‌هایی از جشن‌ها و عزاداری‌های دینی و ملی اقوام مختلف، احصای نمادهای وحدت ملی در هر استان و تبلیغ آن» بود. برای پیاده‌سازی راهبردها هم شش دسته الزامات کلی شامل الزامات ساختاری، الزامات فرآیندی، الزامات فناورانه، الزامات دانشی، الزامات منابع (انسانی و تجهیزاتی) و الزامات قوانین و مقررات لازم بود که بیان گردید.

پیشنهادات نیز به شرح زیر می‌باشد:

۱- توافقی‌هایی میان کشورهای حوزه خلیج فارس به‌منظور تأمین امنیت، منافع متقابل اقتصادی و زیست‌محیطی و همکاری‌های فرهنگی با توجه به دین مشترک می‌تواند عامل مهمی در

شکل‌دهی نظم منطقه‌ای و در نتیجه تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در آینده باشد (تشکیل اتحادیه همکاری‌های اقتصادی).

۲- همزمان با گسترش روابط اقتصادی، تقویت ارتباطات در دیگر زمینه‌ها مؤثر است. به لحاظ وجود برخی خصوصیات مشترک فرهنگی و اجتماعی بین مردم منطقه، باید در توسعه و تقویت این‌گونه روابط تسهیلات بیشتری فراهم کرد. تقویت روابط فرهنگی و اجتماعی موجب افزایش همبستگی جوامع منطقه خواهد شد.

۳- کشورهای منطقه باید مذاکراتی در جهت انعقاد موافقت‌نامه‌های مودت و دوستی آغاز کنند. این‌گونه اقدامات نه تنها موجب کاهش تنش‌های منطقه‌ای می‌گردد، بلکه در ایجاد تفاهم سیاسی بین کشورهای منطقه بسیار مؤثر است.

۴- در شرایط فعلی ملاحظات متنوعی بر روابط ایران و کشورهای خلیج فارس سایه افکنده است که با شناخت آن‌ها بازتعریف و اتخاذ رویکرد جدیدی از مناسبات ضرورت دارد. در گذشته تعریف از کشورهای حاشیه جنوبی این‌گونه بود که عربستان برادر بزرگتر است و پنج کشور دیگر از او تبعیت می‌کنند؛ اما واقعیت آن است اگرچه عربستان همچنان برای حفظ نقش برادر بزرگتری تلاش می‌کند ولی در مواردی ناکام بوده است:

الف) قطر سعی دارد سیاست خود را با آمریکا تنظیم و خود را از سلطه سیاسی - امنیتی عربستان خارج کند.

ب) عمان سعی دارد نقش مستقل خود را ایفا کند.

پ) کویت از طرفی همکاری با عربستان را دنبال و از طرف دیگر سعی در ایفای نقش بی‌طرفی در منطقه را دارد.

ت) امارات خود را دمکراتیک‌تر از نظام سیاسی عربستان می‌داند و می‌خواهد نقش آفرینی مستقلی داشته باشد.

ث) با توجه به وضعیت فوق برای تنظیم مناسبات با هر یک از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس باید برنامه‌ای جداگانه تنظیم شود.

ج) در نتیجه بحرین تنها کشوری است که در واقع همچنان نقش برادر بزرگتری عربستان را پذیرفته است.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

۱. آتسف، اچ؛ ایگور و ادوارد جی. مک‌دائل (۱۳۷۵). استقرار مدیریت راهبردی، ترجمه عبدالله زندیه، تهران، انتشارات سمت.
۲. آهنچی، محمد (۱۳۸۹). راهبرد و مدیریت راهبردی، چاپ اول، تهران، شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
۳. انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، جلد چهارم، تهران، نشر سخن.
۴. الهی، همایون (۱۳۹۶). خلیج فارس و مسائل آن، تهران، نشر قومس.
۵. برژینسکی، زی بیگنیو برژینسکی (۱۳۸۱)، خارج از کنترل اغتشاشات جهانی در طلیعه قرن بیست و یکم، ترجمه دکتر عبدالرحیم نوه‌ابراهیم، انتشارات اطلاعات.
۶. جودت، بهجت (۱۳۸۰)، امنیت نفت در هزاره جدید، ژئواکونومی در برابر ژئو استراتژی، ترجمه قدیر نصری‌مشکینی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۵-۱۶۶.
۷. خالدی ترابی و همکاران (۱۳۹۵)، طراحی الگوی راهبردی مدیریت جهادی (مبانی، اصول، رویکردها و الزامات)، مطالعه گروهی دانشجویان دوره بیست و دوم مدیریت راهبردی، دانشکده مدیریت راهبردی، داتا.
۸. دیتل، ویلهلم (۱۳۷۶)، جهاد در راه خدا، ترجمه دکتر جواد کرمانی و سکینه کرمانی.
۹. رستمی، محمد (۱۳۹۲)، تحلیل ژئوپلیتیکی حوزه خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و فنون فارابی، ۱۳۹۲.
۱۰. رفیعی، عبدالله (۱۳۸۱)، بازنگری جایگاه استراتژیک خلیج فارس و جزایر ایرانی، نشریه ابرار، ۲۰ آذرماه.
۱۱. رودباری، لواء فیلی (۱۳۷۵)، کویت (کتاب سبز)، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۲. زارعی، بهادر (۱۳۷۸)، جغرافیای سیاسی خلیج فارس، رسالت، ۱۴ شهریور ماه ۱۳۷۸.
۱۳. شکری پور، سعید (۱۳۹۲). جزوه آموزشی طرح‌ریزی عملیات، تهران. دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا.
۱۴. عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۴)، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۵. مدنی، امیرباقر (۱۳۶۳)، اوپک، اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت، تهران، انتشارات رجاء.
۱۶. مرادی، عبدالله (۱۳۹۴)، رویکردهای گوناگون به نظام امنیتی خلیج فارس، اندیشکده راهبردی تبیین، ۹ خرداد.
۱۷. مرکز تحقیقات راهبردی (۱۳۸۹)، ایران و امنیت انرژی، گزارش راهبردی ۳۲۶، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی.
۱۸. معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۹. مورگتا، هانس. جی (۱۳۷۹). سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
۲۰. نامدار، مظفر (۱۳۹۰)، بهائیت آن‌گونه که هست، نشر مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی جام‌جم.

منابع انگلیسی

21. Mintzberg, H.(1994), “The nice and fall of strategic planning” prentice Hal.<https://www.parsi.wiki/fa>
22. Reuters (2016), Saudi Arabia may take more measures against Iran in execution row: foreign minister, 9 January 2016, In: <http://www.reuters.com/article/us-saudi-iran>.